

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله سوم: اهداف پایانی
فصل اول

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله سوم

فصل اول

هر کاری پایانی دارد

متقاضی و مشاور هر دو انتظار پایان مشاوره را دارند، اما، مسائل بسیاری هستند که باید به آن ها رسیدگی کرد. راجع به آن ها در مقدمه این فصل صحبت کرده ام و اینجا تنها تذکر خواهم داد که چون پایان مشاوره در راه است، بهتر است برای آن برنامه تهیه نمود تا در موقع صحیح، طریق صحیح، و دلائل صحیح، پایان ایجاد گردد. طرق ناصحیح پایان مشاوره بسیارند، و اگر مشاوره از ابتدا تا پایان بر طبق برنامه انجام نگیرد، اجتناب از آن ها غیر ممکن خواهد بود.

آیا شما برنامه برای پایان مشاوره فراهم ساخته اید؟ یا می گذارید هر گونه که می خواهد پایان پذیرد؟ بسیاری از مشاوران راه دوم را پیش می گیرند. البته در مشاوره مسیحی احتمالات به حدی می باشند که نمی توان پیش بینی کرد هر مشاوره خاصی چگونه پایان خواهد یافت. اما شباهات بسیاری نیز میان موارد مختلف مشاوره وجود دارند که بتوان با استفاده از آن ها برنامه را تنظیم کرد. و فرقی نمی کند خصوصیات هر مورد چیست، هر یک حذف هائی را دارند. به این خاطر است که تاکید بر برنامه ریزی می کنم.

مشاوره مسیحی نه باید ناگهان پایان پذیرد، نه به درازا بکشد. باید برای متقاضی نشانه ای از پایان جلسات باشد. یک راه، آن است که در آغاز مشاوره به متقاضی گفت، ”معمولاً (۱)، مشاوره بیش از دوازده جلسه نمی باشد“. بیان این موضوع نه تنها به او اطلاع می دهد که پایان کار حدوداً چه زمانی خواهد بود، بلکه بعنوان مثال، زمانی که به جلسه دهم می رسید خواهند دانست که دو جلسه دیگر باقی نمانده است. و باور کنید پایان جلسات را روز شماری می کنند. اما بیاد داشته باشید بر محدودیت کلمه ”معمولاً“ تاکید کنید، چون ممکن است نیاز به جلسات بیشتری پیدا کنید. غالباً وقتی شخصی می داند که پایان نزدیک است، به کوشش و جدیت خود می افزاید تا نهایت استفاده را کرده باشد. نتیجتاً زمان، عامل مهمی در برنامه پایان مشاوره است.

همچنین دانستن آنکه مشاوره در شرف پایان است، هشدار به متقاضیان تنبل، تشویق متقاضیان بی میل، و نیرو بخش متقاضیان هراسان می شود. به عبارت دیگر، کمک به هر نوع متقاضی می کند. اما بطوری که قبلاً گفته ام، نگذارید متقاضی فکر کند بخاطر آنکه او شکست خورده، مشاوره طولانی شده است. در بعضی مواقع لازم خواهید دانست بگوئید مشاوره بخاطر غیر عادی بودن موارد، یا افشای موارد جدید است که طولانی شده. اما اگر دلیل طول کشیدن مشاوره بخاطر آن است که متقاضی تکالیف خانگی خود را انجام نرسانده، باید این موضوع را صریحاً به او بگوئید. در چنین مواقعی، شاید لازم باشد حذف نهائی دیگری را عنوان سازید که تمدید نخواهد شد (اما قبل از اعلام آن از تعلق خود بر جریان کار اطمینان داشته باشید). این محدودیت ها کمک بزرگی به انجام تکالیف خواهد کرد.

در نتیجه می بینیم که محدودیت زمانی می تواند کمک بزرگی باشد. پایان کار را نباید به گونه ای برداشت کرد که خودبخود واقع می شود، بلکه موضوعی است که برای آن برنامه باید تهیه کرد و آن را مورد استفاده قرار داد. شما همراه متقاضیتان آن را بجا می آورید. آیا در کلام خدا چیزی راجع به زمان دیده می شود؟ در دوم قرنیتان ۱۳: ۲، پولس می گوید:

دوم قرن‌تیاں ۱۳

۲: من در دیدار دوم خود، کسانی را که در گذشته مرتکب گناه شده بودند، و نیز هر کس دیگر را هشدار دادم و اکنون نیز در غیاب خود باز هشدار می‌دهم که وقتی نزدتان بیایم، بر کسی آسان نخواهم گرفت.

در اینجا می‌بینیم پولس از آنچه خواهد کرد و زمانی که آن را خواهد کرد صحبت می‌کند. و سپس در آیه ۱۰ می‌گوید:

دوم قرن‌تیاں ۱۳

۱۰: به همین خاطر، در غیابم این مطالب را به شما می‌نویسم تا وقتی نزدتان آمدم، مجبور نباشم از اقتدار خود با شدت عمل استفاده کنم، اقتداری که خداوند نه برای ویران کردن، بلکه برای بنا به من داده است.

البته ممکن است موقعیت او با شما فرق داشته باشد، ولی می‌بینید چگونه از زمان و اهداف آینده خود استفاده کرد تا تغییر را در زندگی کسانی که خواست خدا را اجرا نمی‌کردند، بوجود آورد (همچنین می‌توانید به اول قرن‌تیاں ۱۶: ۱ تا ۸؛ دوم قرن‌تیاں ۲: ۱ تا ۳؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱۲: ۱۴، ۲۰ و ۲۱ رجوع نمائید).

به هر حال، لازم است از زمان بعنوان آلت مفیدی در مشاوره (۲) استفاده کرد، خصوصاً زمانی که مشاوره به مرحله پایان می‌رسد. وقتی نزدیک به جلسات آخر می‌شوید خواهید دید، اشاره ای که به آن می‌کنید تاثیر زیادی بر جریان کار خواهد گذاشت. تصور اشتباهی که از پایان مشاوره وجود دارد این است که دست از متقاضی می‌شوئیم. من صحبت از طریقی که پایان کار بوجود می‌آید خواهم کرد تا امکان پیگیری و ادامه آموزش نیز فراهم گردد. مشاوره تنها قسمتی از جریان پاکسازی متقاضی می‌باشد که در آن کمک می‌شود مسائلی را که خود نمی‌توانسته، حل نماید:

غلاطیان ۶

۱: ای برادران، اگر کسی به گناهی گرفتار شود، شما که روحانی هستید او را با ملایمت به راه راست باز گردانید. در عین حال، به هوش باش که خود نیز در وسوسه نیفتی.

بعضی متقاضیان طوری رفتار می‌کنند که گوئی مشاوره همه کار را انجام می‌دهد. با وجود آن که مشاوره اهمیت زیادی دارد، تنها شامل زمان بسیار کوتاهی از زندگی متقاضی را شامل می‌گردد. وقتی مشاور خود، جریان کار را در زمینه صحیحی ببیند، اثر بزرگی در نحوه انجام کار خواهد داشت، خصوصاً مرحله پایان آن. در پایان کار، شما باید سعی کنید متقاضی را با نحوه استفاده صحیح و عملی کلام خدا آشنا کنید (آنچه در مراحل اول و دوم آموخت و اجرا نمود):

اعمال ۲۰

۳۲: «اکنون شما را به خدا و به کلام فیض او می‌سپارم که قادر است شما را بنا کند و در میان جمیع کسانی که تقدیس شده اند، میراث بخشد.

وقتی به پایان کار می رسید و به آنکه خدا چه کار هائی را کرده می اندیشید، روحیه فروتنی را نسبت به خود و خدمت خود بدست خواهید آورد. بگذارید زمان کوتاه مشاوره و کار بزرگی که خدا انجام داده نگذارد بخود مقررور باشید، بلکه مکمل جریان کاری که خدا در متقاضی آغاز کرده بشوید.

در نتیجه، پایان برای هر دو متقاضی و مشاور کمک بزرگی در راه ادامه کار می کند. فروید Freud می گوید بهتر آن است که مشاوره هیچ وقت پایان نگیرد. او فکر می کرد انسان باید بگونه مطلوب "اجتماعی" گردد. اما در این راه، لازم خواهد بود ابتدا آن انسان نامطلوب را شناسائی کند. لازم خواهد بود به آن اقیانوسی که نشانگر وجود درونی متقاضی است نظر انداخته و به رودخانه هائی که به آن ختم می شوند بنگرد و سپس به نهر هائی که رودخانه ها را ایجاد کرده اند. اگر فرضاً توانست زمان لازم را مصرف کند تا این برداشت ها را بدست آورد (حتی اگر امکانش وجود داشته باشد)، متقاضی شما در خلال این مدت تغییر کرده و تبدیل به اقیانوس دیگری شده. اما خدا از شما این کار را نخواست انجام دهید. کارتان را معمولاً باید به شکل تعمیر کننده چیزی که خراب شده ببینید^(۳). شما کمک می کنید، با فیض خدا و استفاده از کلام چیزی که خراب شده اصلاح گردد.

فهرست زیر نویس های فصل اول

- (۱) بیاد داشته باشید تاکید بر این محدودیت بکنید. مشاوران تازه کار ممکن است وقت بیشتری را از مشاوران کهنه کار احتیاج داشته باشند. از طرفی وقت احداث را زمان بندی می کنید، به متقاضی امید می دهید که انتظار دارید خدا تغییرات لازم را انجام خواهد داد.
- (۲) از عوامل دیگر محدودیت های زمانی نیز می توانید استفاده کنید. بعنوان مثال، می توانید از "اتلاف وقت" استفاده کنید (وقتی متقاضی بدون انجام تکلیف خانگی به جلسه می آید. می توانید بگوئید، "ما نمی توانیم جلسات را ادامه دهیم چون بستگی به انجام تکالیف داشته است. در نتیجه، یک جلسه را "تلف" کرده اید"). آنوقت می توانید متقاضی را به خانه بفرستید تا تکلیف را انجام دهد. این به متقاضی نشان خواهد داد که در این موارد جدی هستید و کوتاه نخواهید آمد. بیاد داشته باشید که در ابتدای جلسات دعای شما آن بوده که خدا در جلسه حضور داشته و جریان کار را بدست گرفته باشد. پس شما نیز در نحوه انجام کار در برابر خدا مسئول هستید.
- (۳) البته اینجا منظورم آموزش مشاوره مسیحی و یا مشاوره قبل از ازدواج نیست. این قبیل مشاوره، مقدماتی و پیشگیرانه می باشند.